

# هلمش‌های علم

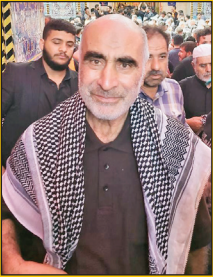
## حامی جوانان در تولید و صادرات

به گفته بازاربان قدیمی حاج‌احمد کریمی از ایده‌های اقتصادی جوانان حمایت می‌کرد و در همین راستا هم انجمن صادر کنندگان جوان را دایر کرد. با جوان‌هایی که ایده اقتصادی داشتند همراه می‌شد و برای به ثمر نشاندن طرح و برنامه‌هایشان پیگیر بود و حمایتشان می‌کرد. او نه تنها در حوزه صادرات و تجارت فرش، بلکه در عرصه‌های دیگر هم حامی تولید کنندگان بود. شاید یکی از دلایلی که فرزندان حاج‌احمد، امروز تولیدکننده بزرگ و سایل توانبخشی و ویلچر هستند، همین دیدگاه و اهمیت دادن به تولید در کشور باشد. حاج‌احمد علاقه بسیاری داشت تا چرخ صنعت و تولید بچرخد و توسعه پیدا کند. به همین خاطر ایده‌های مولد برایش ویژه و خاص بود. به اعتقاد جوانانی که با او سر و کار داشتند، از کارهای اقتصادی مثل پول در بانک گذاشتن و سودگرفتن بدش می‌آمد و کار مولد را اساس تولید و چرخیدن چرخ صنعت می‌دانست. او بعد از صادرات فرش، کارخانه‌ای برای ساخت تخت بیمارستان در دهه ۷۰راه‌اندازی کرد. اهل جوان گرایی بود و عمل می‌کرد. با استخوان خر در کرده‌های زیادی در حضور جوانان در عرصه صادرات راه‌اندازی و فرصتی ایجاد کرد که آنها به میدان بیایند و حضور آنها پررنگ و قابل بحث باشد. جالب است که کسانی برای ملاقات و عیادت‌زمان بیماری به او سر می‌زدند که اغلب جوان بودند. او اعتقاد داشت اگر صادر کنندگان نباشند، هر قدر تولید کنیم راه به جایی نمی‌بریم؛ تولید انجام می‌شود، ولی خروجی آن چیست؟ باید بکنی بخرد و بکنی بفروشد و صادر کند. حاج‌احمد یک جمله فراموش نشدنی داشت: «شاید صادر کنندگان پیدا نکنند که خانه تولیدکننده را آباد کرده‌باشد که اینطور نیست، ولی قطعاً آن خانه را روی سرش خراب نکرده است.» وقتی تولیدکننده تولید کند و فروش نداشته باشد، عملاً سرما می‌آید از بین رفته است. او می‌گفت: «اگر اقبال طبقه متوسط یا طبقه بالای جامعه نتوانند فرش‌های دستباف‌شان را بعد از مدتی بفروشند تا فرش جدید بخرند، کار تولید می‌خواند، ریختن قابل توجهی از فرش‌های فروخته‌شده آنها هم توسط صادر کنندگان صادر می‌شود. اگر امکان این تبادل و جایگزینی وجود نداشته باشد، رغبتی به خرید فرش نو باقی نمی‌ماند و در این صورت، کار بافندگان هم، از رونق می‌افتد و کساد می‌شود. هیچ چیز جز صادرات به تولید کمک نمی‌کند. اگر بازار صادرات رونق داشته باشد، تولید هم رونق پیدا می‌کند.»

حوالی دروازه غار و محدوده محله مولوی سالیان طولانی محل خرید و فروش حیوانات بوده؛ از انواع پرندگان تا گربه، سگ و حتی مار، عقرب و انواع جانوران خطرناک. اگر چه این مسئله تاریخی اهالی کسبه و مشتریان راسته‌های تجاری را به همراه داشت، اما تلاش‌ها برای جمع کردن بساط این نوع کسب‌و کار بی‌نتیجه مانده بود. حاج‌احمد اما آستین همت بالا زد تا با پیگیری از نهادهای مسئول، بساط خرید و فروش حیوانات را از حوالی بازار تهران جمع کند. حیدری در این باره می‌گوید: «در بساط این افراد حتی جانوران خطرناک هم دیده می‌شد که نگرانی‌های بسیاری برای کسبه و اهالی ایجاد کرده بود. آنها علاوه بر کیبوتر، سگ و گربه، حتی مار و عقرب هم می‌فروختند. فعالیت آنها در قلب بازار صدای کسبه، همسایه‌ها و حتی شهروندان را هم در آورده بود. این افراد علاوه بر فروش حیوانات، سفارش هم می‌گرفتند تا حیوان کمیاب مورد نظر مشتریان را برای آنها تهیه کنند. حاج‌احمد به‌عنوان دبیر کل جامعه انجمن‌های اسلامی بازار، خود برای حل این موضوع دست به کار شد. او با پیگیری از نهادهای مسئول، مقدمات جمع‌شدن بساط این افراد را برای برقراری آرامش در بازار فراهم کرد. حالا دیگر چنین فعالیت‌هایی در قلب بازار بسیار کم‌رنگ شده‌است.»



### ثلت دارایی؛ به نفع محرومان



رد و نشان حاج‌احمد کریمی در نوسازی یا بازسازی مساجد بازار

فروش فروشان هنوز باقی است، او به‌صورت مستقیم یا غیر مستقیم

در عملیات ساخت‌نظارت داشت. مسجد نازون بازار که در قسمت

فروش‌ها واقع شده به واسطه تلاش و حمایت‌های او بازسازی شده

است. بازسازی مسجد بازار کفش‌ها هم یکی دیگر از فعالیت‌های او

در این زمینه به‌شمار می‌رود. کافی بود خداوند و دین در انجام آن کار

تاکید داشته باشد، او با اشتیاق برای انجام آن قدم پیش می‌گذاشت. در

### ساماندهی باربران بازار

فعالیت بیش از ۱۲هزار باربر در بازار، حاج‌احمد کریمی را بر آن داشت تا اقدامی جدی برای ساماندهی باربران با هدف ارائه خدمات رفاهی، ثبت اطلاعات شخصی و پلاک‌دار کردن آنها انجام دهد. او برای کمک به این قشر دغدغه‌های بسیار داشت؛ اینکه این قشر کم‌درآمد با وجود شغل سخت و طاقت‌فرسا بیمه نداشتند یا از مزایای مختلف محروم بودند، به دغدغه اصلی او تبدیل شده بود. حیدری از پیگیری‌های حاج‌احمد برای ساماندهی باربران می‌گوید: «حاج‌احمد می‌خواست ثبت اطلاعات هویتی باربرها هم امنیت کالا و سرمایه مردم و بازاربان حفظ شود و هم با ساماندهی آنها خود باربرها هم مزایایی مثل بیمه بهره‌مند شوند. حرفش این بود که کار باربرها در زمره مشاغل سخت قرار دارد و آنها در سنین پیری که دیگر توان کار ندارند، از مزیت بیمه برخوردار نیستند. او اقدامات اولیه برای ساماندهی باربران را با کمک سرهنگ جعفری‌نسب انجام داد تا آنها نیز از مزیت بیمه و دیگر مزایای رایج بهره‌مند شوند.» حیدری درباره تلاش‌های حاج‌احمد برای کمک به تامین معیشت باربرها می‌گوید: «اگر چه باربرها در راسته‌های خاص فعالیت می‌کنند و اعضای هیأت امنای بازار بیشتر با آنها ارتباط دارند، اما اگر موردی از مشکلات مالی و معیشتی باربرها به ما انتقال داده می‌شد، حاج‌احمد در خفا و با قید حفظ آبرو به نیازهای مالی آن فرد رسیدگی می‌کرد. ابتدا شخصی را برای تحقیق مأمور می‌کرد و پس از آگاهی کامل از مشکلات معیشتی آن فرد، اقدامات لازم برای برطرف کردن مشکل انجام می‌شد.»

### قطعنامه ۵۹۸ و حکایت یک ابتکار

بعد از قبول قطعنامه ۵۹۸هواپایان جنگ، اوضاع بازار حساسی به‌هم ریخت؛ قیمت دلار یکباره فروریخته بود و همچنان سیر نزولی داشت. در این اوضاع، بسیاری از کاسبان ورشکست شدند و در تنگنای اقتصادی قرار گرفتند؛ افراد آبرومندی که یک‌شبه همه دارایی و زحمت و تلاش‌شان در حال نابودی بود و در این اوضاع آشفته که به مرور به همه بخش‌ها و به‌ویژه مشاغل گرده‌خورده با فرش لطمه وارد می‌کرد، باید چه تدبیری اندیشیده می‌شد تا جلوی پیشروی این ضرها و مسائل حاشیه‌ای آن گرفته می‌شد؟ بازم در این وانفسا حاج‌احمد بود که با راه‌اندازی صندوق خیریه برای صنف فرش‌فروشان ناجی مشکلات کاسبان بازار شد. حیدری تعریف می‌کند: «بعد از پایان جنگ، با سقوط قیمت دلار، لطمه بزرگی به صنف فرش‌فروشان بازار وارد شد. هر روز یک ماجرای تازه از مشکلات کاسبان داشتم، یک روز یکی چک برگشتی داشت، یکی برای تأمین هزینه‌های زندگی دچار مشکل می‌شد و آسیب‌ها زیاد بود. حاج‌احمد دست به کار شد و با همراهی جمعی از کاسبان و خیران یک صندوق خیریه به‌هیأت امنایی راه‌اندازی کرد. برای آن مجوز رسمی گرفت و ضوابط و قوانین خدماتی این صندوق خیریه را هم خودش تعیین کرد. این صندوق، خدماتی مانند وام چمپیز، به تأمین هزینه‌های درمانی، تحصیلی، سایر کمک‌هزینه‌های مورد نیاز صنف فرش‌فروشان شامل کارگر، قالیشو، رفوگر و فرش‌فروش را پوشش می‌داد.»

### بساط عقرب‌فروش‌ها را جمع کرد

حوالی دروازه غار و محدوده محله مولوی سالیان طولانی محل خرید و فروش حیوانات بوده؛ از انواع پرندگان تا گربه، سگ و حتی مار، عقرب و انواع جانوران خطرناک. اگر چه این مسئله تاریخی اهالی کسبه و مشتریان راسته‌های تجاری را به همراه داشت، اما تلاش‌ها برای جمع کردن بساط این نوع کسب‌و کار بی‌نتیجه مانده بود. حاج‌احمد اما آستین همت بالا زد تا با پیگیری از نهادهای مسئول، بساط خرید و فروش حیوانات را از حوالی بازار تهران جمع کند. حیدری در این باره می‌گوید: «در بساط این افراد حتی جانوران خطرناک هم دیده می‌شد که نگرانی‌های بسیاری برای کسبه و اهالی ایجاد کرده بود. آنها علاوه بر کیبوتر، سگ و گربه، حتی مار و عقرب هم می‌فروختند. فعالیت آنها در قلب بازار صدای کسبه، همسایه‌ها و حتی شهروندان را هم در آورده بود. این افراد علاوه بر فروش حیوانات، سفارش هم می‌گرفتند تا حیوان کمیاب مورد نظر مشتریان را برای آنها تهیه کنند. حاج‌احمد به‌عنوان دبیر کل جامعه انجمن‌های اسلامی بازار، خود برای حل این موضوع دست به کار شد. او با پیگیری از نهادهای مسئول، مقدمات جمع‌شدن بساط این افراد را برای برقراری آرامش در بازار فراهم کرد. حالا دیگر چنین فعالیت‌هایی در قلب بازار بسیار کم‌رنگ شده‌است.»

### دست‌گره‌گشای بازار

گره‌گشایی و دستگیری از نیازمندان از جمله رفتار نیک حاج‌احمد کریمی بود که اغلب حجرهداران و کاسب‌ها آن را برای شناخت بهتر این چهره شناخته‌شده‌بازار مثال می‌زنند. کمک به ورشکست‌ها و حل و فصل مشکلات میان بدهکار و طلبکار تنها گوشه‌ای از هزاران کار نیک است که او در مدت حضورش در بازار انجام داد. بازاربان اعتقاد دارند به واسطه کارهای خیر بی‌شماری که انجام داده است از این پس جای خالی او مشهود خواهد بود. او به واسطه صندوق‌های وام قرض‌الحسنه‌ای که راه‌انداخته بود و ارتباط‌هایی که با سازمان اقتصاد داشت، توانست بود مشکلات مالی بازاربان و کاسبان را برطرف کند. حاج‌احمد برای اینکه بتواند به سرعت مشکل را برطرف کند، در اغلب مراکز استان‌ها جامعه انجمن‌ها را فعال کرد. این انجمن‌ها یک خیریه کمک‌سانی با عنوان خیریه فرش هستند و می‌توان گفت در همه استان‌ها برقرارند. اغلب کم‌کیف فعالیت صندوق‌های قرض‌الحسنه تهران و قاعدتاً برنز نظر او انجام می‌شد و در حقیقت، سازمان اقتصاد اسلامی صندوق‌های قرض‌الحسنه، حمایت مالی و قانونی می‌کرد و حاج‌آقا در کم و کیف تأسیس و حمایت خیلی از صندوق‌ها داشت. بیشتر ساعات زندگی او به این فعالیت‌ها و گرگشایی‌ها می‌گذشت. او بسیاری از اختلافات خانوادگی را هم به آشتی ختم می‌کرد و کانون خانواده‌های بسیاری به لطف و مساعدت او این روزها گرم است.

### درباره اقدامات و فعالیت‌های حاج‌احمد کریمی اصفهانی

### که در قلب تپنده اقتصاد تهران فعال بود

# زعیم بازار

بازاری‌ها به حاج‌احمد کریمی اصفهانی، دبیرکل جامعه انجمن‌های اسلامی اصناف و بازار، لقب زعیم بازار را داده بودند، چون حاج‌احمد به همه مسائل بازار اشراف کامل داشت؛ از حل و فصل اختلافات و ریش‌سفیدی میان بازاربان تا شناسایی و رفع مشکلات و کاستی‌های بازار، تلاش برای حل مشکلات کالبدی بازار و حفظ هویت سنتی و تاریخی آن، تشکیل شورایی برای حفظ سنت‌ها و مراسم آیینی کهن بازار تهران و ده‌ها خدمات ارزنده دیگر. در این صفحه با محمدعلی حیدری، از دوستان نزدیک و نماینده حاج‌احمد کریمی در جامعه انجمن‌های اسلامی اصناف درباره اقدامات حاج‌احمد در بازار صحبت کرده‌ایم.



### اسرار اصول و مبنای محاسبات

دربایت و ذکاوت حاج‌احمد کریمی در بازار زبانزد بود. به واسطه همین استعداد در کسب، در مدت کوتاهی که شاگرد فرش‌فروشی بود، صاحب حجره‌ای که در آن کار می‌کرد به او پیشنهاد شراکت داد. حاج‌احمد در پاسخ به این پیشنهاد گفته بود «من وقتم را به کسب نمی‌فروشم و بنایم این است که برای خودم کار کنم؛ چه سود و چه ضرر!» از آنجا که استقلال طلب بود، نپذیرفت و طولی نکشید که کسب‌و کار خودش را در بازار فرش‌فروشان راه انداخت. اصل کسب‌و کار حاج‌احمد بر مبنای تجارت حلال بود و کتاب المکاسب را مرجع مهمی می‌دانست که براساس آن عمل می‌کرد تا مبادا حلالی را حرام کند یا در

### تشکیل شورای مذهبی بازار برای حفظ سنت‌ها

حاج‌احمد به موضوعات فرهنگی و مذهبی بازار و پیشینه تاریخی اجرای برخی از رسوم آیینی در بازار نیز توجه می‌کرد. حیدری از تلاش حاج‌احمد برای تداوم اجرای سنت چهار پایه‌خوانی در بازار چنین یاد می‌کند: «حاج‌احمد برای حفظ سنت چهار پایه‌خوانی که در بازار تهران بیش از ۱۲۰سال قدمت دارد، شورایی تشکیل داد تا این سنت بی‌کم و کاست حفظ و هر سال محرم به‌بهترین شکل اجرا شود. از گذشته در بازار هر صنفی از جمله بزازها، لوازم‌التحریر، اتاق‌سازها و… هیئت و مراسم مخصوص به‌خود داشتند. در روزگاری که خبری از سیستم‌های صوتی نبود، دسته‌های عزاداران نوحه‌خوانی‌کنند.» او ادامه می‌دهد: «در سال‌های اخیر به‌دلیل توسعه و تغییرات بازار، لازم بود اقداماتی برای اجرای هر چه بهتر این رسم دیرینه انجام شود. حاج‌احمد شورایی از پیشکسوتان بازار در موضوعات مذهبی تشکیل داد تا هیئت‌های مذهبی بازار و به‌ویژه این رسم کهن حفظ شود. این اعضا مسئولیت هماهنگی میان هیئت‌ها، ارتباط با نیروی انتظامی و… را برعهده دارند تا هر هیئت، زمان مشخصی در محل مورد نظر عزاداری کند و در عین حال در دیگر ایام محرم و عزاداری هم مشکلی برای کاسبی کسبه به‌وجود نیاید.»

### خانه‌سازی برای آسیب‌دیدگان زلزله با کمک بازاربان

حاج‌احمد کریمی با وجود مسئولیت خطیر در جامعه انجمن‌های اسلامی اصناف و بازار، در بسیاری از صندوق‌های خیریه به بازار هم عضو بود تا از این طریق نیز با همراه کردن بازاربان و اعضای هیأت امنای بازار گام‌های مؤثری برای حمایت از خانواده‌های کم‌بضاعت و کمک به خانواده‌های آسیب‌دیده در سیل، زلزله و… بردارد. حیدری در این باره می‌گوید: «با حضور حاج‌احمد، جامعه انجمن اسلامی بازار در هر زلزله، سیل و بلایای طبیعی دیگر برای امدادسانی به آسیب‌دیدگان پیشقدم بود. او امنای بازار و بازاربان قدیمی و خیر‌خواه را با خود همراه کرده بود تا بازار هم در هنگام وقوع حوادث طبیعی شانه به‌شانه مردم سهمی در خدمت‌رسانی داشته باشد. همواره می‌گفت مردم مهربان ما برای تأمین آب، غذا و پوشاک و دیگر نیازهای اولیه آسیب‌دیدگان سیل و زلزله همیشه کمک‌حلال هستند، ما باید کمک‌های اساسی انجام دهیم. حتی اگر شده چند خانه برای خانوارهای بی‌سرنانه بسازیم. با این نگاه او بود که جامعه انجمن‌های اسلامی در هنگام وقوع بلایای طبیعی با کمک اتحادیه‌های بازار و بازاربان در حوزه ساخت‌وساز وارد می‌شد.» حیدری خاطرهای از خانه‌سازی برای خانواده مدافعان حرم تعریف می‌کند: «حاج‌احمد در ساخت حدود ۴خانه برای خانواده‌های مدافعان حرم در محدوده اسلامشهر پیشقدم شد و دیگر افراد خیر بازار را هم با خود همراه کرد.»

### هوای مشتریان بازار را داشت

حاج‌احمد کریمی علاوه براینکه خدمات ارزنده‌ای به بازار ارائه کرد و نقش مؤثری در رفع کاستی‌ها و کمبودهای بازار داشت، اقدامات بسیاری هم برای رفع مشکلات مشتریان بازار و مراجعان به واحدهای صنفی انجام داد. نزدیکان حاج‌احمد، به‌ویژه بازاربانی که از نزدیک شاهد تلاش‌هایش در سمت دبیر کل جامعه انجمن‌های اسلامی بازار بودند، خاطرات بسیاری درباره نگاه ویژه او به رضایتمندی مشتریان بازار، آسایش و رفاه حال آنها در هنگام خرید دارند. حیدری خاطره‌ای از حاج‌احمد تعریف می‌کند: «شلوغی بازار و ازدحام جمعیت، به‌ویژه زمانی که هنوز پیاده‌راه بازار تعریف نشده بود، زمینه‌ساز معضلاتی چون سرقت و کیف‌قاپی می‌شد. گاهی دانشجویی که ذخیره چندماه کار دانشجویی‌اش را برای خرید آورده بود طعمه سارقان می‌شد و گاهی هم سارقان کیف پول کارگری را می‌زدند که آمده بود با دسترنج چند روز کار سخت خود مایحتاج خانواده‌اش را از بازار تهیه کند. در این سال‌ها افرادی به ما مراجعه کرده بودند که پس از سرقت کیف پول‌شان حتی پول کافی برای بازگشت به خانه نداشتند. حاج‌احمد به فکر این موارد هم بود. سپرده بود اگر چنین افرادی مراجعه کردند، صحت ادعای‌شان را بررسی کنیم و سپس در حد توان کمک‌حال آنها شویم.»

### پل ارتباط تولیدکنندگان و مسئولان

میاندار بودن دشوار است و از عهده هر کسی بر نمی‌آید، اما کاسبان بازار معتقدند یکی از خصوصیات بارز حاج‌احمد کریمی، همین بود که انصاف و مساوات را بین دو طرف رعایت می‌کرد. همین ویژگی باعث شده بود تا سال‌ها حاج‌احمد کریمی پل ارتباطی بین حکومت و کف بازار و بازاربان باشد. فرزندش، مهدی کریمی در این باره می‌گوید: « پدر حرف و مشکل بازاربان را به گوش مسئولان می‌رساند و از سوی دیگر مدافع حقوق مظلومان و تولیدکنندگان بود. همه دغدغه‌اش این بود تا مشکلی از مشکلات کاسبان را کم کند؛ از موضوع‌های دارایی و مراجعات به بیمه گرفته تا تأمین مساعدت‌های مالی و توسعه کسب‌و کار آنها. همچنین به‌واسطه درایت او در این چند سال بازار شاهد حداقل تنش‌های موجود در جامعه بود. او هیچ وقت نگذاشت که نیروهای نظامی وارد بازار شوند. چون اعتقاد داشت این مسائل را با صحبت با بازاربان می‌توان حل کرد. قبل از انقلاب بازاربان اعتصاب کردند، ولی در اغتشاشات پاییز سال ۱۴۰۱ بازار از رونق نیفتاد و این اتفاق به واسطه حضور حاج‌احمد بود. همچنین او مسائل عمومی مثل ساماندهی دستفروش‌ها، بازسازی‌های بازار، مسائل مربوط به آتش‌نشانی و آتش‌سوزی‌های بازار را ریز به ریز دنبال می‌کرد و از طریق جامعه اصناف اغلب آنها را برطرف کرد. کاسبان بازار می‌گویند حاج‌احمد کریمی ستون بازار بود. حرف او را هم بازاری‌ها قبول داشتند و هم دولتی‌ها.»

■ سه‌شنبه ۵ دی ۱۴۰۲ ■ شماره ۳۴ ■ ۸ صفحه **ه و ۴**

### پیاده‌راه بازار

### یادگار ماندگار حاج‌احمد



در سال‌های اخیر توسعه وسایل حمل‌ونقل عمومی و دسترسی آسان‌تر شهروندان به بازار و افزایش شمار واحدهای صنفی تجاری، زمینه‌ساز تغییرات کالبدی بازار و در نتیجه افزایش شمار مراجعه‌کنندگان به بازار شد؛ مسئله‌ای که لزوم تعریض برخی معابر و فراهم کردن زمینه‌های لازم برای تردد و خرید آسان‌تر مشتریان بازار را دوجندان می‌کرد. یکی از اقدامات اثرگذار حاج‌احمد کریمی در بازار تهران نیز پیگیری‌های مؤثر برای رفع مشکلات کالبدی بازار بود. به‌عنوان مثال، رد پای اقدامات حاج‌احمد را می‌توان در پروژه ساخت پیاده‌راه بازار با تعریض خیابان ۱۵خراد که روزانه پذیرای بیش از ۵۰۰هزار نفر از نقاط مختلف تهران و کشور است، مشاهده کرد. بازاربان و مشتریان پاساژها و واحدهای تجاری این راسته روزهایی را به یاد دارند که آلودگی صوتی، آلودگی‌های زیست‌محیطی، عرض کم‌معبر و… مشکلات بسیاری برای مشتریان و کسبه ایجاد می‌کرد، اما اکنون بیش از ۱۵سال است که با تعریض پیاده‌راه بسیاری از این مشکلات برطرف شده‌است. محمدعلی حیدری، از دوستان نزدیک و نماینده حاج‌احمد کریمی در جامعه انجمن‌های اسلامی اصناف و بازار، در این باره می‌گوید: «خیابان ۱۵خرداد یا پیاده‌راه بازار، سال‌ها با مشکلاتی چون عرض کم‌معبر و در عین حال حضور انبوه جمعیت دست و پنجه نرم می‌کرد. آلودگی صوتی ناشی از تردد بی‌وقفه خودروها و موتورسیکلت‌ها نیز در کنار انواع آلودگی‌های زیست‌محیطی زمینه‌ساز سلب آسایش مشتریان و کسبه شده بود. این میان معضلاتی چون سرقت، کیف‌قاپی و… را به اثر انبوه جمعیت و عرض کم معبر دامن‌گیر این راسته شده بود هم باید به‌فهرست مشکلات اضافه کرد.»

حیدری از اقدامات مؤثر حاج‌احمد در مسیر ساخت پیاده‌راه بازار تعریف می‌کند: «با افتتاح ایستگاه مترو پانزده‌خراد به‌شمار مراجعه‌کنندگان به این راسته افزوده شد و نیاز بود برای آسایش مردم و کسبه هر چه زودتر پروژه تعریض پیاده‌راه اجرا شود. حاج‌احمد در مسیر اجرای این پروژه پیگیری از نهادهای مربوط و به‌ویژه شهرداری را در اولویت کارهای خود قرار داد. او هنگام اجرای پروژه تعریض و انجام اقدامات عمرانی پیاده‌راه نیز همیشه پای کار بود تا مبادا در مراحل اجرای پروژه کاسبی بازاربان دچار مشکل شود. با وجود مشغله‌های بسیار، هر روز سراغ معاذارها می‌رفت و درخواست‌ها و مشکلات کسبه را از نزدیک بررسی می‌کرد. حتی در جزئی‌ترین موارد نیز وارد عرصه می‌شد تا این پروژه بزرگ به کسب‌ترین مشکل به سرانجام برسد. به یاد دارم در سرکسی‌های هرروزه به این راسته به‌اغذیه‌فروش‌ها تذکر می‌داد حتماً روی مواد غذایی را ببوشانند تا مبادا گردوغبار ناشی از فعالیت ماشین‌آلات مشکل‌ساز شود. سرانجام کسبه‌ای که فعالیت عمرانی به محل کسب‌سازی شده بود می‌رفت تا اگر فعالیت‌های عمرانی مشکلی برای کاسبی آنها ایجاد کرده بود به طریقی آن مشکل را رفع کند.»